

## فقر در خانوارهای ایرانی

(با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران)

سید احمد غروی نخجوانی\*

هدف این مقاله، بررسی فقر در اقتصاد ایران با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارها به عنوان شاخصی برای ترسیم وضعیت فقر طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲ است.

اساس این بررسی، بر این پایه استوار است که افزایش یا کاهش و همچنین مصرف کالاها در سبد مصرف خانوارها نشان از تغییر اوضاع زندگی آنان دارد. ملاک قضاوت درباره‌ی تغییر ساختار و روند شاخص‌ها نیز «نظریه‌ی انگل» درباره‌ی رفتار مصرفی خانوارهاست که می‌گوید با بهبود اوضاع اقتصادی زندگی خانوارها، سهم مصرف کالاها و خوراکی کاهش می‌یابد.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که اوضاع اقتصادی خانوارهای ایرانی طی دو دهه‌ی گذشته شرایط نگران‌کننده‌ای داشته است و خانوارها به شکل فزاینده‌ای تحت فشارهای اقتصادی بوده‌اند. همچنین این نتیجه به دست می‌آید که تغییر ساختار مصرف خانوارها نه به خاطر بهبود اوضاع فقر در کشور، که ناشی از وجود فشارهای اقتصادی بوده است.

کلیدواژه‌ها: انگل، بودجه، خانوار، خوراکی، درآمد، روستا، سوء تغذیه، شهر، فقر، کسری، کشش درآمدی، مصرف

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۵/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۱۱/۲۸

\* کارشناس ارشد اقتصاد <Nakhjavani@gmail.com>

## مقدمه

مبحث فقر در ایران، یکی از جذاب‌ترین مباحث اقتصادی و اجتماعی برای پژوهش‌گران و تحلیل‌گران به حساب می‌آید، تاجایی که مقالات بسیار زیادی در این باره نگاشته شده است و محققان این موضوع را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. آنچه جذابیت پرداختن به موضوع فقر در کشور را دوچندان می‌کند، کاهش میزان فقر و جمعیت کم‌درآمد در جهان به خصوص در کشورهای آسیایی طی دو دهه اخیر از یک سو و بهبود تدریجی و آرام شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در مقیاس کلان، طی سال‌های اخیر از سوی دیگر است. بی‌گمان شاخص‌های کلان مقیاس اقتصادی همچون رشد تولید ملی یا درآمد سرانه\* که خود می‌تواند نشأت گرفته از افزایش درآمدهای نفتی، بالارفتن مخارج دولتی و مسایلی از این دست باشد، نمی‌تواند شاهد مناسبی برای سنجش میزان فقر در اقتصاد ایران تلقی گردد و باید به سراغ شواهد آماری دیگری رفت که به نحو شایسته‌تری میزان بهبود یا وخیم‌تر شدن اوضاع فقر اقتصادی در ایران را اندازه‌گیری کند و یا به نمایش گذارد. با این اوصاف، نگارندگان در نوشتار حاضر به بررسی فقر در اقتصاد ایران با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارها به عنوان شاخص مناسبی برای ترسیم وضعیت فقر طی دو دهه گذشته پرداخته‌اند. اساس این بررسی، بر این پایه استوار است که افزایش یا کاهش و همچنین مصرف کالاها در سبد مصرف خانوارها نشان از تغییر اوضاع زندگی آنان دارد. ملاک قضاوت درباره‌ی تغییر ساختار و روند شاخص‌ها نیز می‌تواند «نظریه معروف انگل» درباره‌ی رفتار مصرفی خانوارها باشد که به زودی درباره‌ی آن صحبت خواهد شد. چه آن که گاه تغییر در ساختار مصرف خانوارها و کاهش سهم کالاهای خوراکی در بودجه به عنوان دلیلی مبنی بر بهبود اوضاع فقر در کشور مطرح می‌شود و این مقاله به دنبال بررسی صحت و سقم این موضوع است.

\* هرچند درآمد سرانه طی سال‌های گذشته رشد آرامی را از خود نشان می‌دهد، پس از گذشت ۲۵ سال، به سطح سال ۱۳۵۷ رسیده است.

## ۱) چارچوب نظری

با افزایش درآمد، سهم مخارج خوراکی مصرف کنندگان در بودجه کاهش می‌یابد.\* این نکته‌ای است که توسط ارنست انگل\*\* (*Ernst Engel*) و با بررسی آماری بودجه خانوارها به دست آمده است. اساس این یافته که به «قانون انگل» شهرت دارد، بر این منطق استوار است که کشش درآمدی (*Income Elasticity of Demand*) تقاضای کالاهای خوراکی در بودجه خانوار به نسبت پایین است و بدین خاطر، با افزایش درآمد، مصرف کالاهای خوراکی به نسبت کم‌تری افزایش می‌یابد. نتیجه آن‌که هرچه درآمد خانوارها افزایش نشان می‌دهد، سهم مصرف کالاهای خوراکی در بودجه پایین می‌آید، چه آن‌که این به معنای کاهش واقعی مصرف کالاهای خوراکی نیست، بلکه مصرف مواد غذایی هم‌پای درآمد افزایش نمی‌یابد.\*\*\*

این نظریه علمی توسط منحنی انگل نمایش داده می‌شود که استخراج آن به سادگی امکان پذیر است. به عنوان مثال، می‌توان به شکل شماره ۱ مراجعه کرد. چنانچه منحنی‌های بی‌تفاوتی میان دو کالای  $X$  و  $Y$  ترسیم شود، در شرایط فرضی بسیار ساده، با افزایش درآمد منحنی‌های بی‌تفاوتی در سطوح مطلوبیت بالاتر، میزان مصرف از هر دو کالا را مشخص خواهند کرد. چنانچه  $X$  یک کالای غیرخوراکی و  $Y$  یک کالای خوراکی باشد، ارتباط درآمد با مصرف

\* برای آشنایی بیشتر با این نظریه به این آدرس مراجعه کنید:

<http://faculty.washington.edu/krumme/resources/engel.html>

\*\* آماردان آلمانی در قرن نوزدهم

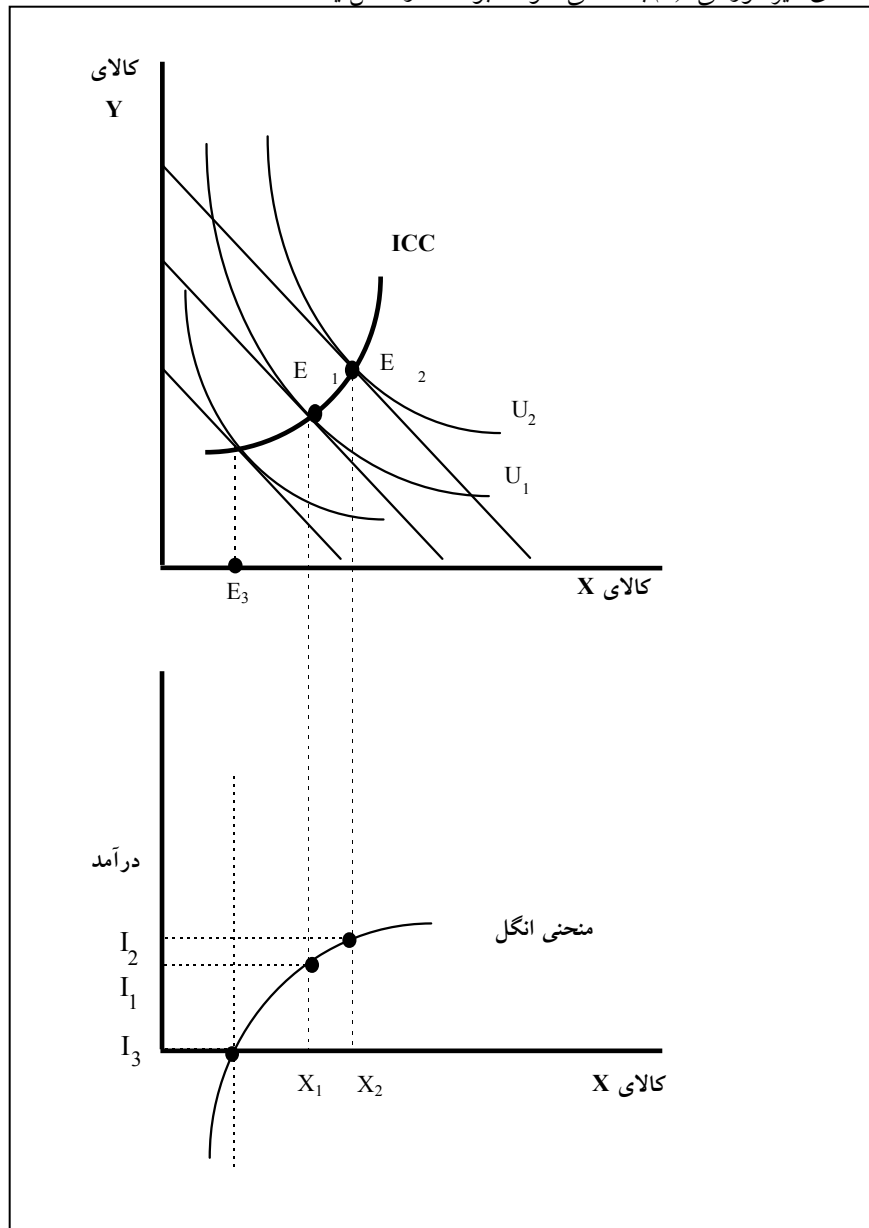
\*\*\* طی چند دهه گذشته تحقیقات بسیار متنوعی درباره رفتار مصرفی خانوارها در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است که همگی مویده نظریه انگل است، تنها بحث درباره‌ی خطی یا غیر خطی بودن و الگوهای اقتصادسنجی حرکت منحنی مصرف خانوارهاست. خلاصه‌ای از این تحقیقات را می‌توانید در منابع زیر مطالعه فرمایید:

- M. Kedir, Abbi and Girma Sourafel (2005), Quadratic Food Engel Curve With Measurement Error: Evidence from a budget Survey, University of Leicester, UK

- Ian Crawford., Francois Laisney & Ian Preston (2002), **Theoretically Compatible Engel Curves and Unit**

- **Value Specifications**, Institute for Fiscal Studies and University College London, UK

شکل ۱: استخراج منحنی انگل بر اساس تغییر مصرف کالاهای  $X$  و  $Y$  کالاهای غیرخوراکی ( $X$ ) به شکلی خواهد بود که در شکل یادشده نشان داده شده است.



بر اساس این شکل، با افزایش درآمد، گرایش مصرف خانوار به سوی کالای غیرخوراکی می‌رود، به گونه‌ای که افزایش مصرف کالای  $X$ ، از افزایش درآمد بیش‌تر است. بدین ترتیب و بر اساس آنچه در شکل مشاهده می‌شود، درصد تغییرات کالای  $X$  نسبت به درصد تغییرات درآمد یا همان کشش درآمدی تقاضای این کالا، بزرگ‌تر از یک است. شاید لازم باشد به این نکته اشاره گردد که کشش درآمدی تقاضا می‌تواند مثبت (برای کالاهای عادی) یا منفی (برای کالاهای پست) باشد. در اقتصاد، کالاهایی که کشش درآمدی میان صفر و یک دارند، کالاهای ضروری و کالاهایی که کشش درآمدی بزرگ‌تر از یک دارند، کالای لوکس تلقی می‌شوند (تقوی، ۱۳۶۸: ۶۶).

به‌عنوان مثال، نتیجه محاسباتی را که برای کشش درآمدی تقاضای کالاهای مختلف در بودجه‌ی خانوارهای کشور انگلستان صورت گرفته است، می‌توان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.\*

جدول ۱: کشش درآمدی تقاضا در کشور انگلستان

کشش درآمدی تقاضا	کالا
۰/۳	سوخت و روشنایی
۰/۴۵	مواد خوراکی
۱/۲۳	پوشاک
۱/۴۷	کالاهای بادوام
۱/۷۵	خدمات
- ۲/۰۲	زغال
- ۰/۵۰	نان و غلات
۰/۵۳	لبنیات
۰/۸۷	سبزی‌ها

\* این نتایج را می‌توانید در این آدرس مشاهده فرمایید:

<<http://www.lmu.ac.uk/lbs/epia/people/beachill/index.html>>

۱/۱۴	سفر
۱/۹۹	تفریحات

با اوصافی که از نظریه انگل و رفتار مصرفی کالاها در بودجه خانوارها گفته شد، می‌توان انتظار داشت که با بهبود اوضاع اقتصادی خانوارها، سرعت افزایش مصرف کالاهای خوراکی آهسته‌تر شده و مازاد بودجه، صرف کالاهای غیرخوراکی گردد. بر عکس، روند تغییر ساختار مصرف یا اندازه‌گیری کسش درآمدی کالاهای مصرفی می‌تواند شاخصی برای سنجش وضعیت رفاه خانوارها در طی زمان باشد، بدین ترتیب که با کاهش فقر و افزایش رفاه اقتصادی، سهم کالاهای خوراکی در بودجه خانوارها و نیز کسش درآمدی تقاضای کالاهای خوراکی در دوره مورد بررسی کاهش یابد.

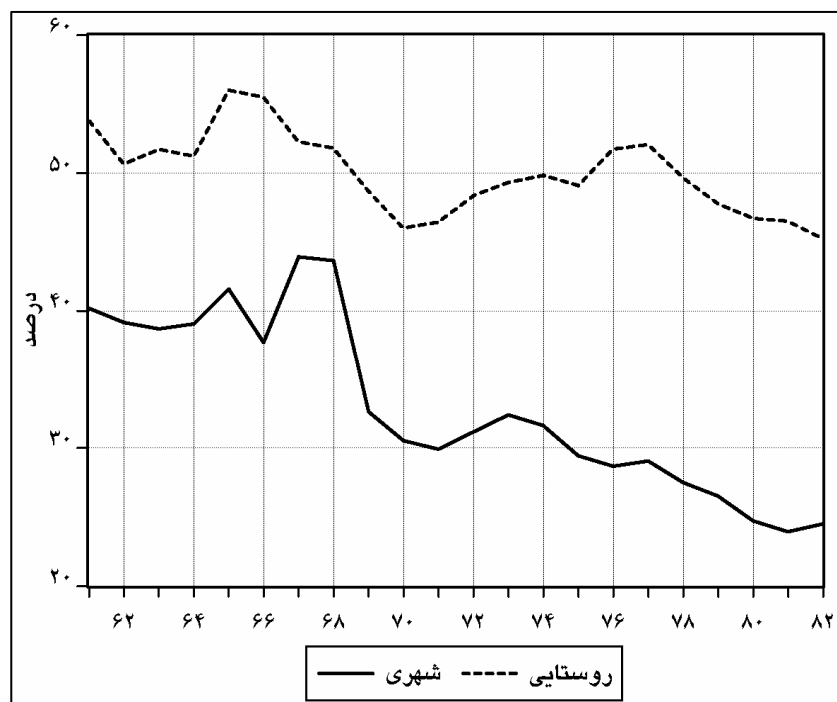
## ۲) سهم کالاهای خوراکی در سبد مصرف خانوارها

با به خاطر داشتن آنچه تاکنون درباره روند تغییر سهم کالاهای خوراکی خانوارها در سبد خانوارها گفته شد، می‌توان به بررسی تغییرات ساختار بودجه خانوارهای کشور طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲ پرداخت و برای این منظور، از آمار هزینه و درآمد خانوارها استفاده کرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲-۱۳۶۱).

نمودار شماره ۱ و جدول شماره ۲، سهم هزینه کالاهای خوراکی در سبد مصرف خانوارهای شهری و روستایی را در دوره یادشده نشان می‌دهد. آنچه از این نمودار و جدول برداشت می‌شود، این است که طی بیست و دو سال، سهم هزینه خوراکی شهری از ۴۰ درصد به ۲۵ درصد و هزینه خوراکی روستایی از ۵۰ درصد به ۴۵ درصد کاهش یافته است.

در نگاه نخستین می‌توان این تغییر ساختار مصرف خانوارها را به فال نیک گرفت و چنین پنداشت که به فرض آن که درآمد خانوارها طی این دوره افزایش یافته باشد، اوضاع فقر اقتصادی آنان بهبود یافته است، اما شاید این قضاوت پیش از بررسی اوضاع درآمد و مصرف خانوارها اندکی شتاب‌زده باشد.

نمودار ۱: سهم هزینه خوراکی در سبد مصرف خانوارهای شهری و روستایی



مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲

بدین خاطر، بهتر است تا آن حد که در حوصله این مقال می‌گنجد، به بررسی اقلام مصرف بودجه خانوارهای کشور پرداخته شود.

جدول ۲: سهم هزینه کالاهای خوراکی در سبد مصرف خانوارهای شهری و روستایی (درصد)

شهری	روستایی	سال
۴۰	۵۲	۱۳۶۱
۳۹	۵۰	۱۳۶۲
۳۹	۵۲	۱۳۶۳
۳۹	۵۲	۱۳۶۴
۴۲	۵۶	۱۳۶۵
۳۷	۵۵	۱۳۶۶
۴۴	۵۲	۱۳۶۷
۴۴	۵۲	۱۳۶۸
۳۳	۴۹	۱۳۶۹
۳۰	۴۶	۱۳۷۰
۳۰	۴۷	۱۳۷۱
۳۱	۴۸	۱۳۷۲
۳۲	۴۹	۱۳۷۳
۳۲	۵۰	۱۳۷۴
۲۹	۴۹	۱۳۷۵
۲۹	۵۲	۱۳۷۶
۲۹	۵۲	۱۳۷۷
۲۷	۵۰	۱۳۷۸
۲۶	۴۷	۱۳۷۹
۲۵	۴۷	۱۳۸۰
۲۴	۴۶	۱۳۸۱
۲۴	۴۵	۱۳۸۲

ماخذ: محاسبه شده از ارقام هزینه و درآمد خانوارها در سالنامه‌های آماری ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲.



### ۳) بررسی مصرف کالاها در بودجه خانوارها

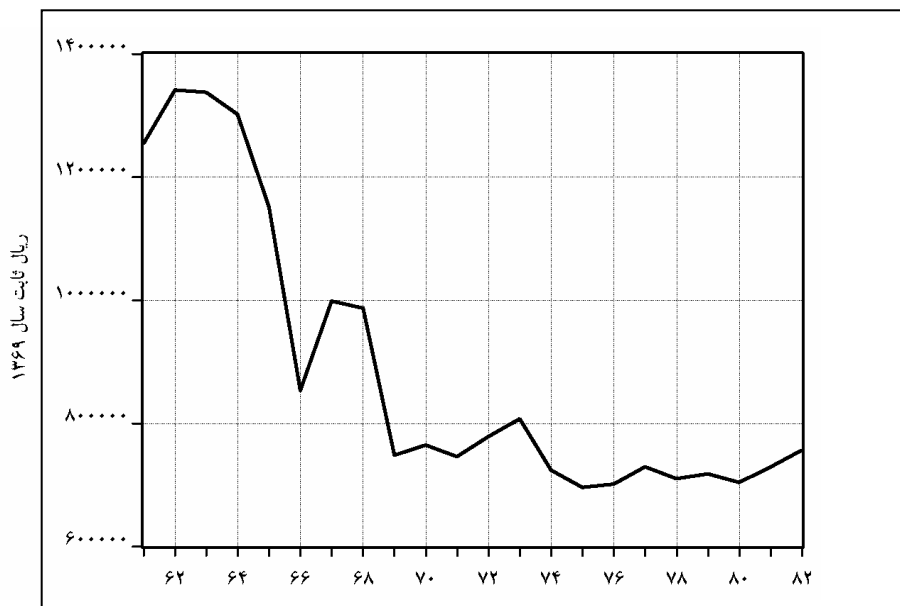
برای بررسی مصرف کالاها در بودجه خانوارها به اطلاعات مقداری مصرف کالاها و خدمات نیاز است که در این زمینه هیچ گونه آماری وجود ندارد. به همین خاطر، باید از آمار ریالی درآمد و هزینه خانوارهای کشور بهره جست. حال آن که باید از این آمار تورم‌زدایی (*Deflating*) شود تا هزینه خانوارهای کشور، بدیلی برای مصرف کالاها و خدمات آنان باشد. به بیان دیگر، از آمار هزینه واقعی یا تورم زدوده بودجه خانوارها، می‌توان به عنوان شاخص مصرف کالاها استفاده کرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲-۱۳۶۱).

#### ۳-۱) مصرف کالاهای خوراکی خانوارهای شهری

هزینه واقعی خوراکی و دخانی خانوارهای شهری در ایران که برای سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۶۱ در نمودار شماره ۱ ترسیم شده است، نشان می‌دهد که این هزینه از سال ۱۳۶۲ تا کنون روندی کاهنده داشته، به گونه‌ای که این هزینه در مجموع از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲ نزدیک به ۴۰ درصد کاهش یافته است و این نشان‌گر کاهش شدید مصرف مواد خوراکی خانوارهای شهری است. این مسئله حتی می‌تواند به نوعی نشان‌دهنده بروز سوء تغذیه در خانوارهای شهری باشد.

بدیهی است که چنین شرایطی از یک سو نشان از وجود مشکلات اساسی در اقتصاد کشور و از سوی دیگر حکایت از فقر و فشارهای مالی بر خانوارها دارد.

نمودار ۲: متوسط هزینه واقعی سالانه کالاهای خوراکی و دخانی خانوارهای شهری



مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲.

برای بررسی مصرف در کشور، می‌توان از این نیز ریزتر شد و به سراغ جزئیات مصرف کالاهای خوراکی رفت. جدول شماره ۳ مبتنی بر همین هدف، محاسبه و منعکس شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۱-۱۳۸۲).

این جدول به خوبی بحران مصرف کالاهای خوراکی خانوارهای شهری را طی دو دهه اخیر نشان می‌دهد. کاهش ۵۰ درصدی مصرف (یا هزینه واقعی) گوشت، کاهش ۵۵ درصدی مصرف میوه و سبزی‌ها، همه و همه نشان‌گر مشکلات اقتصادی خانوارهاست.

جدول ۳: رشد اقلام عمده هزینه سالانه خوراکی خانوارهای شهری در دوره ۸۲-۱۳۶۱

شرح	سال ۶۱ ریال/ جاری	سال ۸۲ ریال/ جاری	سال ۶۱ ریال/ سال ۶۹	سال ۸۲ ریال/ سال ۶۹	رشد واقعی (درصد)
غلات، آرد، رشته و نان	۴۶۵۸۴	۲۰۰۶۲۹۰	۱۶۴۶۰۸	۱۴۲۵۹۳	- ۱۳/۴
شیر، فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۴۲۷۳۲	۱۱۰۳۳۷۹	۱۵۰۹۹۶	۷۸۴۲۰	- ۴۸
روغن و چربی‌ها	۴۷۱۳	۴۴۱۰۸۷	۱۶۶۵۳	۳۱۳۴۹	+ ۸۸
میوه‌ها و سبزی‌ها	۸۱۵۷۵	۱۸۱۰۰۳۰	۲۸۸۲۵۱	۱۲۸۶۶۴	- ۵۵/۴
گوشت	۱۰۷۹۳۵	۲۷۱۳۰۶۵	۳۸۱۳۹۶	۱۹۲۸۲۶	- ۴۹/۴
کل هزینه‌های خوراکی	۳۵۵۰۷۳	۱۰۶۴۲۴۴۱	۱۲۵۴۶۷۵	۷۵۶۳۹۲	- ۳۹/۷

ماخذ: محاسبه شده از آمار هزینه هزینه و درآمد خانوارها و شاخص قیمت‌ها در سالنامه‌های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۲

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مصرف خانوارهای کشور، تنها از دیدگاه کمی دگرگون نشده است، بلکه از نظر کیفی نیز تغییرات زیادی را تجربه کرده است، به گونه‌ای که مشخص می‌شود خانوارهای کشور طی دو دهه اخیر ساختار مصرف کالاهای خوراکی خود را تغییر داده‌اند، به گونه‌ای که تفاوت چشمگیری در ساختار مصرف آنان در دهه شصت و هفتاد به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، سهم گوشت در مخارج خانوارهای شهری طی دوره مورد مطالعه از ۳۰ درصد به ۲۵ درصد و سهم میوه‌ها و سبزی‌ها نیز از ۲۳ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافته و در عوض سهم آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده‌های آن از ۱۳ درصد به ۱۹ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر، بررسی ترکیب هزینه‌ی خوراکی خانوارهای شهری نشان می‌دهد که خانوارها به تدریج اقلام خوراکی دیگر را جایگزین گوشت و میوه‌ها کرده‌اند. به تعبیری، خانوارها از سیری سلولی

به سبب شکمی روی آورده‌اند (تقوی و نخجوانی، ۱۳۷۹: ۴۳). نگاه هم‌زمان به نمودار ارایه شده و تغییر رخ داده در ساختار مصرف کالاهای خوراکی در مواقع کاهش مصرف این کالاها، نشان خواهد داد که دلیل اصلی تغییر الگوی مصرف مواد غذایی، جبران فشارهای اقتصادی در بودجه‌ی خانوارها بوده است.\* افزون بر این‌ها، باید توجه داشت که اگرچه ارقام هزینه خانوارها، تغییر ساختار مصرف مواد غذایی در بودجه آنان را نشان می‌دهد، اما این ارقام نمی‌تواند کیفیت مصرف مواد غذایی را به تصویر بکشد. بر این اساس و با کاهش مصرف و همچنین تغییر ساختار مصرف، حتی ممکن است کیفیت مصرف کالاهای خوراکی نیز کم شده باشد. این نکته را نیز نباید از ذهن دور داشت که در همه این بررسی‌ها از متوسط آمار مصرف خانوارها استفاده شده است و بنابراین چه بسا پرداختن به مصرف خانوارهای کشور در دهک‌های مختلف درآمدی نتایج هشداردهنده‌تری را به دست دهد.

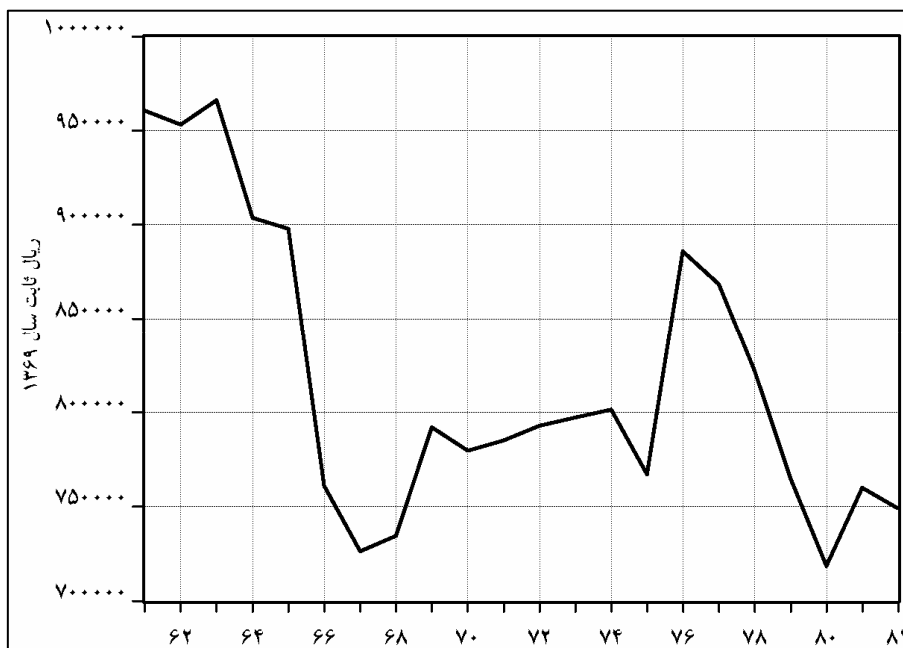
### ۲-۳) مصرف کالاهای خوراکی خانوارهای روستایی

هزینه خوراکی خانوارهای روستایی نیز مانند خانوارهای شهری، محاسبه و در نمودار شماره ۳ ترسیم شده است. مشاهده می‌شود که هزینه واقعی خوراکی خانوارهای روستایی، مانند خانوارهای شهری نه تنها افزایش نیافته، بلکه نزدیک به ۲۳ درصد کاهش داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲-۱۳۶۱).

---

\* نکته بسیار مهمی باید بیان شود و آن، این که؛ برخی از اجزای مصرفی خوراکی در بودجه به دلیل ارزان بودن، تغییر ساختاری خود را به شایستگی نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دوره مورد مطالعه، مصرف ماکارونی در شهرها و روستاها به ترتیب ۶۰ و ۱۱۰ درصد افزایش یافته است.

نمودار ۳: متوسط هزینه واقعی سالانه کالاهای خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی



مأخذ: محاسبه شده از آمار هزینه و درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران (۱۳۶۱-۱۳۸۲)

جدول شماره ۴ نیز میزان تغییر مصرف اقلام کالاهای خوراکی خانوارهای روستایی را نشان می‌دهد. در این جدول می‌توان مشاهده کرد که برخی از اقلام عمده این کالاها مانند آرد و غلات\*، گوشت، شیر و تخم پرندگان کاهش جدی یافته است.

\* آمار نشان می‌دهد که کاهش اقلام آرد، رشته و غلات مربوط به کاهش غلات است.

جدول ۴: رشد اقلام عمده هزینه سالانه خوراکی خانوارهای روستایی در دوره ۸۲-۱۳۶۱

شرح	سال ۶۱ ریال / جاری	سال ۸۲ ریال / جاری	سال ۶۱ ریال / سال ۶۹	سال ۸۲ ریال / سال ۶۹	رشد واقعی (درصد)
غلات، آرد، رشته و نان	۸۵۶۱۳	۲۲۱۰۷۵۹	۳۰۲۵۱۹	۱۶۱۹۶۰	- ۴۶/۵
شیر، فرآورده‌های آن و تخم پرندگان	۳۷۲۹۹	۱۰۷۸۵۳۰	۱۳۱۷۹۹	۷۹۰۱۳	- ۴۰
روغن و چربی‌ها	۷۰۰۵	۵۴۹۹۲۴	۲۴۷۵۳	۴۰۲۸۷	+ ۶۲
میوه‌ها و سبزی‌ها	۲۷۹۳۳	۱۵۶۰۱۸۵	۹۸۷۰۳	۱۱۴۳۰۰	+ ۱۵/۸
گوشت	۶۴۷۶۸	۲۴۵۹۱۱۶	۲۲۸۸۶۲	۱۸۰۱۵۵	- ۲۱/۳
کل هزینه‌های خوراکی	۲۷۱۸۵۴	۱۰۲۲۷۸۵۲	۹۶۰۶۱۵	۷۴۹۲۹۳	- ۲۲

مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارها و شاخص قیمت‌ها در سالنامه‌های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۲

نگاه به ساختار هزینه خانوارهای روستایی نیز می‌تواند جالب باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تغییر ساختار مصرف کالاهای خوراکی در روستاها کم‌تر از شهرهاست و شاید بتوان این موضوع را این گونه توجیه کرد که گروه نخست، از ابتدا نیز به دلیل فقر، اقتصادی‌ترین الگو را انتخاب کرده و امکانی برای روی آوردن به الگوهای اقتصادی‌تر را پیش رو نداشته‌اند (نخجوانی، ۱۳۸۲: ۱۲).

تا همین نقطه از بحث، می‌توان به این نکته اشاره کرد که پس از گذشت بیست و چند سال، با انتظاری که از بهبود اوضاع زندگی خانوارهای کشور چه به لحاظ در حال توسعه بودن ایران و چه به لحاظ مقایسه با سایر کشورها\* می‌رود، خانوارهای کشور تحت فشار مالی قرار داشته‌اند. زیرا در این دوره اگر چه نمی‌توان کاهش سهم کالاهای خوراکی در بودجه را ناشی از بهبود اوضاع فقر تلقی کرد، اما این پرسش به ذهن می‌رسد که کاهش

\* به عنوان مثال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی سه دهه (یعنی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۰) در تایوان، مصرف سالانه‌ی گوشت، ماهی و میوه از ۱۶، ۲۳ و ۲۰ کیلوگرم به ۴۶، ۴۲ و ۱۰۰ کیلوگرم رسیده و در همین مدت، مصرف سیب‌زمینی هر نفر از ۶۲ کیلوگرم در سال به ۲ کیلوگرم کاهش یافته است (Huang, Bouis, 1996).

سهم یادشده در قبال چه کالاهایی در بودجه خانوار بوده است. پاسخ به این پرسش، با بررسی روند مصرف کالاهای غیرخوراکی خانوارها به دست خواهد آمد.

### ۳-۳) مصرف کالاهای غیرخوراکی خانوارهای شهری

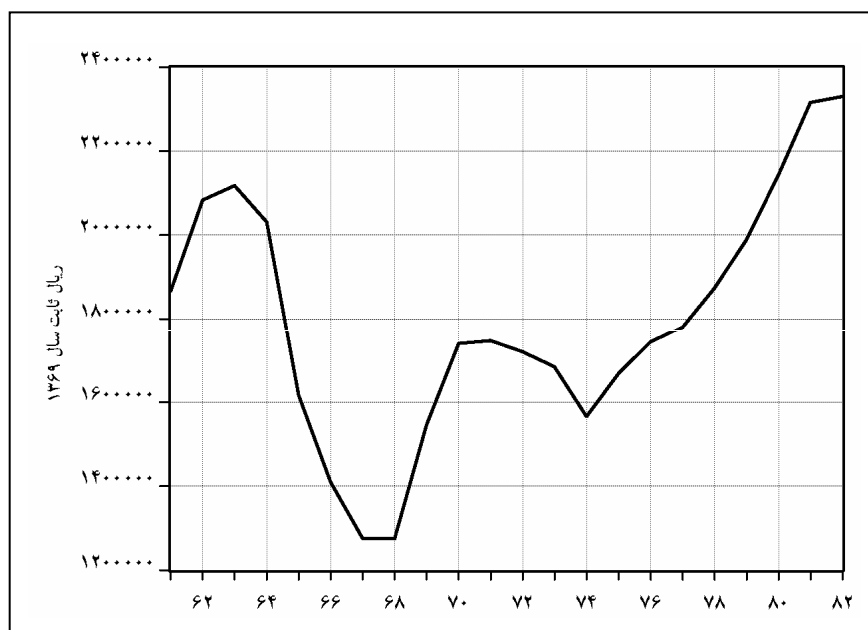
عمده اقلام این نوع کالاها، پوشاک و کفش، مسکن، لوازم و اثاثیه، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی است. به طور کلی و با توجه به آن که برحسب تجربه، کسش درآمدی تقاضا برای بسیاری از کالاهای غیر خوراکی خانوارها بیش از یک است، با بهبود اوضاع درآمد جامعه در مراحل گذار توسعه، مصرف این گونه کالاها روندی فزاینده خواهد داشت. وانگهی انتظار بر این است که به دلیل وجود برنامه‌های توسعه و شکل گرفتن نیازهای جدید در زندگی روزمره مردم، هزینه واقعی غیرخوراکی خانوارها روندی فزاینده داشته باشد.\*

با این همه، بررسی نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد که مصرف کالاهای غیرخوراکی خانوارهای شهری کشور در دو دهه اخیر دچار رکود بوده، به گونه‌ای که با دگرگون شدن ساختار مصرف و ورود کالاهای جدید به سبدمصرفی خانوارها در بیست سال گذشته، هزینه واقعی خانوارهای شهری، تنها ۲۵ درصد بالا رفته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲-۱۳۶۱).

---

\* به‌عنوان مثال، در دهه ۱۳۶۰ برخی از خانوارها تلویزیون، تلفن، مبلمان، کامپیوتر شخصی و... نداشته و پولی را صرف مدرسه غیرانتفاعی یا دانشگاه فرزندان خود نکرده‌اند، ولی اکنون داشتن بسیاری از اینها ضروری و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود.

نمودار ۴: متوسط هزینه واقعی سالانه کالاهای غیر خوراکی خانوارهای شهری



مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲.

حال آن که بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد این افزایش مربوط به بالارفتن هزینه کالاهایی همچون بهداشت و درمان، حمل و نقل و تحصیل و آموزش بوده است. جدول شماره ۵ این موضوع را بهتر نشان می‌دهد.



جدول ۵: رشد اقلام عمده هزینه سالانه غیر خوراکی خانوارهای شهری در دوره ۸۲-۱۳۶۱

شرح	سال ۶۱ ریال/جاری	سال ۸۲ ریال/ جاری	سال ۶۱ ریال/سال	سال ۸۲ ریال/سال	رشد واقعی (درصد)
پوشاک و کفش	۷۴۸۹۹	۲۵۱۸۴۶۰	۲۶۴۶۶۰	۱۹۳۷۲۷	- ۲۶/۸
مسکن	۲۴۶۵۰۷	۱۲۹۸۴۶۰۴	۸۷۱۰۵۰	۹۹۸۸۱۵	+ ۱۴/۶
لوازم و اثاثیه و ملزومات و خدمات خانوار	۵۹۶۱۲	۲۲۸۴۱۷۷	۲۱۰۶۴۳	۱۷۵۷۰۵	- ۱۶/۶
بهداشت و درمان	۳۶۰۴۸	۲۷۶۷۷۸۹	۱۲۷۳۷۸	۲۱۲۹۰۶	+ ۶۷
حمل و نقل و ارتباطات	۵۲۹۷۳	۴۸۸۹۲۵۵	۱۸۷۱۸۰	۳۷۶۰۹۶	+ ۱۰۰
تحصیل و آموزش	۷۵۴۰	۸۷۸۹۴۹	۲۶۶۴۳	۶۷۶۱۱	+ ۱۵۴
کل هزینه‌های غیر خوراکی	۵۲۸۳۹۶	۳۰۳۴۶۸۴۲	۱۸۶۷۱۲۳	۲۳۳۴۳۷۲	+ ۲۵

مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارها و شاخص قیمت‌ها در سالنامه‌های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۲

مشاهده می‌شود که طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲، به طور متوسط مصرف پوشاک و کفش خانوارهای کشور نزدیک به ۲۷ درصد و مصرف لوازم و اثاثیه آنان، ۱۷ درصد پایین آمده است. در همین مدت، هزینه واقعی بهداشت و درمان خانوارها ۶۷ درصد، حمل و نقل خانوارها ۱۰۰ درصد و تحصیل و آموزش آنان ۱۵۴ درصد بالا رفته است. این مسئله، نکات آموزنده‌ای را در پی دارد. اول آن که کاهش هم‌زمان کالاهای خوراکی خانوارها (که به آن اشاره شد) و کالاهایی همچون پوشاک و کفش و اثاثیه و ملزومات زندگی، نشان‌دهنده افزایش فشارهای مالی بر خانوارها و ناتوانی ایشان در جذب کالاهای تولید شده توسط بخش‌های اقتصادی و توزیع فقر در جامعه است.

نکته دیگر آن که، تمرکز مصرف خانوارها طی دو دهه اخیر به سوی کالاهای بخش عمومی اقتصاد، یعنی بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و تحصیل و آموزش رفته است.\*

\* بی‌گمان، دسترسی به چنین کالاهایی حق مسلم مردم است. درحالی که شواهد موجود نشان‌گر آن است که ←

مقایسه هم‌زمان هزینه‌ی واقعی کالاهای خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری مشخص می‌سازد که این دو متغیر، از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ روندی همسان و کاهنده داشته‌اند، ولی پس از سال ۱۳۶۸ هزینه غیرخوراکی روبه افزایش گذاشته است در حالی که مخارج خوراکی همچنان کاهش نشان می‌دهد. در حقیقت، چنین به نظر می‌رسد که خانوارهای

→ چنین کالاهایی در اقتصاد ایران رقابت‌پذیر گشته است. بیان چند نمونه می‌تواند به درک شایسته‌تر موضوع کمک کند. هم اکنون، همه کسانی که در طبقات پایین درآمدی قرار دارند، نمی‌توانند نیازهای بهداشتی و درمانی خود را آن طور که شایسته است از طریق مراکز دولتی تامین کنند. در حقیقت، به خوبی می‌توان به تفاوت چشمگیر کیفیت مراکز درمانی دولتی و خصوصی پی برد. در همین حال، در پاره‌ای از مناطق کشور، بدیهی‌ترین داروها یافت نمی‌شود، اما ثروت‌مندان می‌توانند بهترین متخصصان و امکانات درمانی را در اختیار داشته باشند. نمونه دیگر آن که، در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک، کیفیت آب آشامیدنی به گونه‌ای است که افراد پردرآمد به خرید آب معدنی یا آب‌های تصفیه شده مبادرت می‌کنند و دیگران که توانایی مالی این کار را ندارند، طعم نداری را در آب آشامیدنی خود احساس می‌کنند. حتا برای استفاده از کیفیت هوای مناسب‌تر باید بهایی را پرداخت. نمونه بارز، آن که در شهر بزرگی مانند تهران، افراد پردرآمد در مناطقی زندگی می‌کنند که آلودگی هوا به مراتب کمتر از نقاط فقیرنشین است. وانگهی، بسیاری از افراد پردرآمد، آن قدر بضاعت مالی دارند که برای دست‌یابی به نعمت هوای پاکیزه، روزهای تعطیل خود را در مناطق بیلابلی نزدیک شهر خود بگذرانند. آموزش نیز به عنوان یک کالای بخش عمومی، کم‌کم خصوصی گشته است. خانوارها برای اطمینان از کیفیت آموزش و شیوه برخورد با فرزندان خود به مدارس غیرانتفاعی سوق یافته‌اند و تعداد آنانی که با استقراض، هزینه صدها هزار تومانی یک ساله فرزند خود را می‌پردازند، کم نیست. البته، هزینه آموزش به مدارس غیرانتفاعی خلاصه نمی‌شود، زیرا گاهی خانوارها مجبورند برای ساختن آینده‌ای روشن برای فرزندان‌شان، تا چند میلیون تومان هزینه کنند. قبولی دانشگاه و تامین هزینه آن برای آموزش فرزندان که باید یک کالای عمومی باشد، خود سرآغاز مشکلات اساسی برای خانوارهای فقیر است. بی‌گمان، بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد باید از چنین امکاناتی چشم‌پوشند و بدین ترتیب، آنان که غنی‌ترند، بخت بیشتری را برای تربیت فرزندان خود خواهند داشت و این دور تسلسل ادامه می‌یابد و کم‌درآمدها، کمتر می‌توانند زمینه‌های ترقی اقتصادی و اجتماعی خود را بیابند و شرایطی را که تا به حال با آن دست به گریبان بوده‌اند، تغییر دهند.

وضعیت حمل و نقل نیز همچون دیگر کالاهای یادشده است. به سخن واضح‌تر، انتظار بر این است که افراد جامعه، حتی اگر فقیر باشند بتوانند از حمل و نقل عمومی استفاده کنند و این در حالی‌ست که کیفیت حمل و نقل شهری آن قدر پایین است که گاهی استفاده از آن غیرممکن می‌نماید. ایستادن طولانی در صف اتوبوس به عنوان یگانه وسیله‌ی حمل و نقل ارزان‌قیمت شهری و ازدحام باور نکردنی مردم، دلیل ساده‌ای‌ست که خانوارهای کم‌درآمد شهری را به استفاده از خودروهای مسافربر وامی‌دارد (نخجوانی، ۱۳۸۱).

شهری برای تامین هزینه‌های غیرخوراکی، از مخارج خوراکی خود کاسته‌اند. این مسئله را چنین می‌توان توجیه کرد که در سال‌های جنگ، خانوارها به خاطر کمبود درآمد و محدودیت عرضه کالاها از خرید بسیاری از کالاهای بادوام محروم بوده‌اند و پس از پایان جنگ با صرفه‌جویی در مخارج خوراکی به برآوردن نیازهای تامین نشده گذشته خود پرداخته‌اند.

#### ۳-۴) مصرف کالاهای غیرخوراکی خانوارهای روستایی

مخارج واقعی غیرخوراکی خانوارهای روستایی در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۸۲ محاسبه و در جدول شماره ۶ منعکس شده است. این نمودار نشان می‌دهد که مخارج واقعی غیر خوراکی خانوارهای روستایی با وجود نوسانات فراوان، در سال ۱۳۸۲ تنها ۱۰ درصد بالاتر از سطح سال ۱۳۶۱ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲-۱۳۶۱). مباحث مطرح شده درباره خانوارهای شهری برای خانوارهای روستایی نیز صدق می‌کند و چنین برداشت می‌شود که با وجود تغییر چشمگیر الگوهای مصرف روستایی در دو دهه اخیر، هزینه واقعی مخارج غیرخوراکی این گروه از خانوارها افزایشی از خود نشان نمی‌دهد.

جدول ۶: رشد اقلام عمده هزینه سالانه غیرخوراکی خانوارهای روستایی در دوره ۸۲-۱۳۶۱

شرح	سال ۶۱ ریال/ جاری	سال ۸۲ ریال/ جاری	سال ۶۱ ریال/ سال ۶۹	سال ۸۲ ریال/ سال ۶۹	رشد واقعی (درصد)
پوشاک و کفش	۶۱۳۰۳	۲۲۳۹۰۴۵	۲۱۶۶۱۸	۱۳۱۷۰۸	- ۳۹
مسکن	۶۲۴۶۶	۴۲۱۳۵۶۹	۲۲۰۷۲۸	۲۴۷۸۵۷	+ ۱۲/۳
لوازم و اثاثیه و ملزومات و خدمات خانوار	۳۶۹۹۲	۱۸۳۷۶۵۵	۱۳۰۷۱۴	۱۰۸۰۹۷	- ۱۷/۳
بهداشت و درمان	۱۹۹۷۸	۱۷۵۷۰۹۱	۷۰۵۹۴	۱۰۳۳۵۸	+ ۴۵/۷
حمل و نقل و ارتباطات	۲۱۱۵۱	۲۴۷۷۹۱۳	۷۴۷۳۸	۱۴۵۷۵۹	+ ۹۵
تحصیل و آموزش	۲۶۸۸	۲۷۴۹۹۰	۹۴۹۸	۱۶۱۷۵	+ ۷۰/۳
کل هزینه‌های غیرخوراکی	۲۳۳۵۳۶	۱۵۴۴۸۱۸۲	۸۲۵۲۱۵	۹۰۸۷۱۶	+ ۱۰

مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارها و شاخص قیمت‌ها در سالنامه‌های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۲.

البته نگاهی به اجزای این هزینه‌ها در جدول شماره ۶ مشخص می‌کند که افزایش

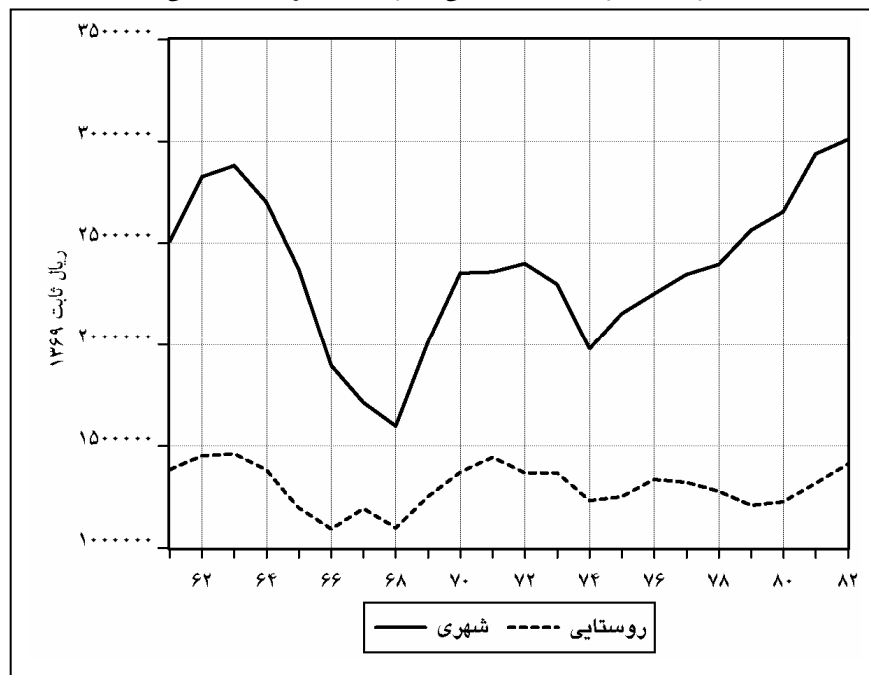
هزینه واقعی کالاهایی همچون حمل و نقل، تحصیل و آموزش و... با کاهش هزینه‌ای همچون لوازم و اثاثیه که سهم بالایی را در این هزینه‌ها داشته، جبران شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲-۱۳۶۱).

#### ۴) درآمد خانوارها

متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری و روستایی (به قیمت‌های ثابت) برای سال‌های ۸۲-۱۳۶۱ محاسبه و در نمودار شماره ۵ و جدول شماره ۷ منعکس شده است. با توجه به روند درآمدی تجربه شده توسط خانوارهای کشورهای در حال توسعه، چنین انتظار می‌رود که درآمد واقعی آن‌ها در طی زمان و همراه با اجرای برنامه‌های توسعه افزایش یابد و به تدریج نوسانات درآمدی به حداقل برسد. به عنوان مثال، روند این متغیر در بیشتر کشورهای آسیایی موفق همچون مالزی، کره جنوبی، تایوان و... رشد سالانه‌ای در حدود ۴ تا ۶ درصد داشته است و این نرخ رشد نوسان کمی از خود نشان داده است. این در حالی است که چنین مسئله‌ای، به هیچ صورت درباره وضعیت درآمدی خانوارهای شهری ایران صدق نمی‌کند. در این نمودار به خوبی مشاهده می‌شود که در طی دوره مورد مطالعه، نه تنها برای درآمد واقعی خانوارها روندی فزاینده و مداوم یافت نمی‌شود، بلکه متوسط درآمد واقعی خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۲، حدود بیست درصد سطح درآمد آن‌ها در سال ۱۳۶۱ بوده است. درآمد خانوارهای روستایی نیز پس از گذشت دو دهه، به سطح سال ۱۳۶۱ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲-۱۳۶۱).

از مقایسه‌ی هم‌زمان درآمد خانوارهای شهری و روستایی نیز می‌توان شکاف درآمدی میان این دو گروه را مشاهده کرد و دریافت که این شکاف درآمدی که به دلیل افت به نسبت بیشتر درآمد خانوارهای شهری در سال‌های دهه‌ی ۶۰ کاهش یافته بود، دوباره از سال ۱۳۷۶ به بعد رو به افزایش نهاده است. در حقیقت، در سال ۱۳۶۱، درآمد خانوارهای شهری ۱/۸ برابر خانوارهای روستایی بوده که این رقم در سال ۱۳۶۷ به ۱/۴ برابر کاهش یافته و در سال ۱۳۸۲ به ۲/۱ برابر رسیده است.

نمودار ۵: متوسط درآمد واقعی خانوارهای شهری و روستایی



مأخذ: سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران در: سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲

چنانچه متوسط کسری بودجه‌ی خانوارهای شهری و روستایی که از ارقام تورم‌زدایی شده‌ی ناشی از تفاضل درآمد و هزینه‌ی خانوارها به دست می‌آید، مورد بررسی قرار گیرد، این نکته مشخص می‌شود که به طور متوسط همه‌ی خانوارهای کشور طی سال‌های مورد مطالعه با کسری بودجه مواجه بوده‌اند و پس‌انداز تنها در دهک‌های درآمدی بالاتر از سطح متوسط که قادرند هزینه‌های خود را پوشش دهند، صورت می‌گیرد و افزون بر این، در سال ۱۳۸۲، سطح متوسط درآمد خانوارها میان دهک‌های هفتم و هشتم قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، در سال یاد شده، بیش از ۷۰ درصد خانوارهای کشور دچار کسری بودجه بوده‌اند. نکته‌ی دیگر آن که، سطح متوسط درآمد در دهه‌ی ۶۰ بین دهک‌های میانی قرار داشته

و به تدریج به سوی دهک‌های درآمدی بالاتر حرکت کرده؛ به گونه‌ای که در اوایل دهه ۷۰ (مثلاً سال ۱۳۷۳)، متوسط درآمد خانوارها میان دهک‌های ششم و هفتم بوده و اکنون میان دهک‌های هفتم و هشتم قرار گرفته است. در حقیقت، تعداد بیشتری از مردم زیر خط متوسط درآمد رفته‌اند. این مسئله خود می‌تواند به عنوان نمادی از شیوع فقر در جامعه تلقی شود.

جدول ۷: متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری و روستایی (به ریال ثابت سال ۱۳۶۹)

سال	روستایی	شهری
۱۳۶۱	۱۳۸۴۵۴۱	۲۵۰۷۴۲۴
۱۳۶۲	۱۴۵۲۰۸۳	۲۸۲۵۸۰۳
۱۳۶۳	۱۴۶۱۳۴۸	۲۸۸۰۶۹۶
۱۳۶۴	۱۳۸۳۰۵۷	۲۷۰۰۷۲۹
۱۳۶۵	۱۱۹۶۹۶۴	۲۳۷۱۸۷۲
۱۳۶۶	۱۰۹۱۹۷۰	۱۸۹۶۵۲۸
۱۳۶۷	۱۱۹۳۱۷۵	۱۷۱۳۵۱۷
۱۳۶۸	۱۰۹۸۳۶۵	۱۵۹۸۵۱۴
۱۳۶۹	۱۲۵۱۰۶۷	۲۰۱۰۵۴۷
۱۳۷۰	۱۳۷۱۶۵۶	۲۳۵۳۶۲۶
۱۳۷۱	۱۴۴۵۰۱۹	۲۳۵۹۲۷۸
۱۳۷۲	۱۳۶۸۶۸۷	۲۴۰۰۰۰۶
۱۳۷۳	۱۳۶۸۶۸۵	۲۲۹۸۳۲
۱۳۷۴	۱۲۳۲۲۴	۱۹۷۸۵۸۳
۱۳۷۵	۱۲۵۱۶۰۶	۲۱۵۳۳۰۴
۱۳۷۶	۱۳۳۶۳۷۶	۲۲۵۱۲۶۹
۱۳۷۷	۱۳۲۰۸۵۴	۲۳۴۶۲۲۱
۱۳۷۸	۱۲۷۷۴۶۱	۲۳۹۵۴۷۸

ادامه جدول ۷

۱۳۷۹	۱۲۰۸۴۲۹	۲۵۶۳۲۸۴
۱۳۸۰	۱۲۲۶۳۱۳	۲۶۵۴۸۳۳
۱۳۸۱	۱۳۱۷۰۶۵	۲۹۳۸۲۱۵
۱۳۸۲	۱۴۱۲۰۶۶	۳۰۰۹۷۸۳

مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارها و شاخص قیمت‌ها در سالنامه‌های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۲

### ۵) تغییرات مصرف کالاها در طبقات مختلف درآمدی

پیش از اظهار نظر درباره «نظریه انگل»، می‌توان نگاهی به وضعیت تغییر مصرف کالاها به ازای تغییر درآمد خانوارها در دهک‌های درآمدی مختلف انداخت. این کار می‌تواند اوضاع فقر خانوارها را از منظر دیگری بنمایاند.

محاسبه کشش درآمدی تقاضای کالاها در بودجه خانوارها نیازمند فرصت مناسب‌تر و جمع‌آوری نمونه‌های آماری متنوع‌تر است. در حقیقت، کشش درآمدی تقاضا از محاسبه درصد تغییرات میزان تقاضا نسبت به درصد تغییرات درآمد به دست می‌آید و در محاسبات اقتصادسنجی، بسیاری از محققان با تخمین رگرسیونی منحنی تقاضای کالاها، کشش درآمدی را محاسبه می‌کنند.

اما به هر روی، می‌توان از نسبت درصد تغییرات مصرف هر کالا به درصد تغییرات درآمد از یک دهک به دهک دیگر، به عنوان بدیلی (*Proxy*) برای کشش درآمدی تقاضای کالا در بودجه خانوارها استفاده کرد.

ارقام محاسبه شده از آمار و ارقام هزینه و درآمد خانوارها در سال ۱۳۸۲ را می‌توان در جدول شماره ۸ مشاهده کرد. برای درک بهتر ارقام این جدول، می‌توان به این مثال توجه کرد که در روستاها، در مقایسه‌ی دهک دوم با دهک اول، مصرف گوشت ۲/۰۱ برابر افزایش درآمد میان این دو دهک، افزایش می‌یابد. یا به بیان ساده‌تر، اگر درآمد خانوارهایی که در میان این دهک قرار دارند،  $X$  درصد افزایش یابد، مصرف گوشت آنان  $2X$  افزایش می‌یابد.

جدول ۸: درصد تغییرات مصرف اقلام بودجه به درصد تغییرات درآمد خانوارها در دهک‌های

مختلف هزینه‌ای سال ۱۳۸۲

دهک	کالاهای غیرخوراکی		کالاهای خوراکی		گوشت	
	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری
اول به دوم	۱/۹۸	۱/۰۱	۱/۷۷	۰/۹۶	۲/۰۱	۱/۱۵
دوم به سوم	۱/۵۰	۱/۱۳	۱/۱۷	۰/۷۶	۱/۷۶	۰/۹۰
هشتم به نهم	۱/۵۱	۱/۱۶	۰/۹۸	۰/۵۷	۱/۳۰	۰/۶۳
نهم به دهم	۲/۳۵	۱/۲۱	۰/۸۸	۰/۳۳	۱/۱۱	۰/۳۸

مأخذ: آمار هزینه و درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران ۱۳۸۲

ارقام محاسبه شده برای کالاهای غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی، در همه دهک‌های درآمدی بیش‌تر از یک محاسبه شده است و این محاسبه با انتظاری که از کشش کالاهای غیرخوراکی می‌رود، طبیعی به نظر می‌رسد. بزرگی اعداد روستایی به شهری نیز نشان از اشتیاق بیش‌تر مصرف کالاهای غیرخوراکی در روستاها نسبت به شهرهاست.\* آنچه بسیار درخور توجه است، اعداد محاسبه شده برای مصرف کالاهای خوراکی و گوشت (به عنوان مثال بارزی از کالاهای خوراکی) است. قضاوت درباره‌ی اعداد محاسبه شده بر عهده خوانندگان نهاده می‌شود و تنها به این نکته اشاره می‌گردد که اشتیاق به مصرف کالاهای خوراکی در بودجه خانوارها به خصوص در روستاها بسیار زیاد است و این موضوع برای مصرف گوشت، به مراتب جدی‌تر است، با عنایت به تعابیر اقتصادی و با توجه به اعداد بزرگ‌تر از یک روستاها، شاید بتوان گوشت را در بودجه خانوارهای روستایی یک کالای لوکس در همه دهک‌های درآمدی تلقی کرد.

\* برای داشتن ملاک مناسب‌تر درباره کشش‌های درآمدی، دوباره به جدول شماره ۱ نگاه کنید.



## ۶) نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این نوشتار مطرح گردید، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تغییر ساختار مصرف خانوارهای شهری و روستایی و کاهش سهم مخارج خوراکی نه به خاطر بهبود اوضاع فقر در کشور، بلکه ناشی از وجود فشارهای اقتصادی بوده است؛ زیرا «نظریه یا قانون انگل» زمانی مطرح می‌شود که مصرف کالاها در بودجه خانوارها روندی فزاینده داشته باشد، اما آهنگ رشد کالاها خوراکی آهسته‌تر از کالاها غیرخوراکی باشد. اما همان‌گونه که در این‌جا نیز نشان داده شد، کاهش سهم مخارج خوراکی در بودجه خانوارهای ایرانی هنگامی رخ داده است که خانوارها مصرف کالاها خوراکی خود را به بهای جبران کسری بودجه و فشار زندگی کاهش داده‌اند.

در پایان به این نکته اشاره می‌شود که با در نظر گرفتن شواهد مطرح شده، موضوع فقر در میان خانوارهای کشور جدی‌ست و سیاست‌ها و اقدامات صورت گرفته نتوانسته این موضوع را بهبود بخشد و چنان‌چه برای این موضوع چاره‌اندیشی نشود، باید در انتظار عواقب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن بود.

۱. تقوی، مهدی (۱۳۶۸). مقدمه‌ای بر تحلیل‌های اقتصاد خرد. تهران: انتشارات پایروس.
۲. تقوی، مهدی و نخجوانی، سید احمد (۱۳۷۹). روند فقر در ایران طی دو دهه گذشته. مجموعه مقالات فقر در ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۲-۱۳۶۱). سالنامه‌های آماری کشور. تهران.
۴. نخجوانی، سید احمد (۱۳۸۲). اقتصاد ایران، تهران. مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
۵. نخجوانی، سید احمد (۲۹ مرداد ۱۳۸۱). نابرابری‌های پنهان در اقتصاد ایران. تهران: روزنامه‌ی همشهری.
6. Jikun Huang and Howarth Bouis, (1996). *"Structural Changes in the Demand for Food in Asia"*, International Food Policy Research Institute.